

ویژگی های نظام ولایی بر سایر حکومت ها برگرفته از اندیشه های قرآنی امام خامنه‌ای

سیدابراهیم موسوی^۱

چکیده

نظام ولایی به عنوان الگویی حکمرانی برخاسته از تعالیم ناب اسلامی و قرآنی، دارای وجوه تمایز اساسی با سایر نظام‌های سیاسی رایج در جهان است. این نظام با محوریت ولایت فقیه به عنوان استمرار حرکت انبیا و ائمه معصومین(ع)، رویکردی جامع به اداره جامعه ارائه می‌دهد که همزمان به سعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها توجه دارد. اندیشه‌های قرآنی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به عنوان نظریه‌پرداز و رهبر این نظام، عمق و غنای این الگوی حکمرانی را نمایان می‌سازد. از سویی در فضای کنونی جهان، شبهات متعددی درباره نظام ولایی مطرح می‌شود که نیازمند پاسخ‌های مستدل و مبتنی بر اندیشه‌های ناب اسلامی است. این نگاشته در صدد است تا ویژگی‌های نظام ولایی بر سایر حکومت‌ها برگرفته از اندیشه‌های قرآنی امام خامنه‌ای را با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی، استخراج و تبیین نماید. یافته‌های پژوهش نشان داد عدالت محوری، مردمسالاری دینی، مقاومت در برابر استکبار و توجه به اخلاق و معنویت از جمله تمایزات نظام ولایی بر سایر حکومت‌ها است.

واژگان کلیدی: قرآن، نظام ولایی، حکومت، اندیشه‌های امام خامنه‌ای (دام‌ظله)

۱. پژوهشگر و مدرس گروه معارف اسلامی دانشگاه جامع امام حسین؛

بیان مسأله

در طول قرون و اعصار، نظام‌های سیاسی گوناگونی بر صفحه روزگار ظهور کرده‌اند که هر یک بر پایه‌ای از اندیشه‌ها و انگاره‌های خاص استوار گردیده‌اند. در این میان، برخی حکومت‌ها بر بنیاد قدرت‌طلبی و سودجویی بنا نهاده شده‌اند، حال آنکه نظام ولایی، آنچنان که از نامش پیداست، ریشه در سرچشمه‌های وحیانی و آرمان‌های عدالت‌جویانه دارد. این سامانه حکمرانی که از ژرفای آیات قرآن کریم و سیره نورانی ائمه هدی(ع) الهام پذیرفته، فراتر از مدیریت جامعه، در پی نیل به تعالی مادی و روحانی آدمیان است.

در این عرصه، دیدگاه‌های قرآن‌بنیان رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، همچون مشعلی فروزان، وجوه تمایز اساسی حکومت ولایی را با دیگر نظام‌های سیاسی به تصویر می‌کشد. در حالی که نظام‌های سکولار با محوریت اومانیسم و لیبرالیسم اقتصادی، ناخواسته بستر ساز شکاف‌های طبقاتی می‌گردند، حکومت ولایی با تکیه بر مفاهیم ناب اسلامی چون «قسط»، «تعاون» و «ولایت‌مداری»، افق‌های نوینی در عرصه سیاست‌ورزی گشوده است.

سؤال اصلی این پژوهش آن است که بر اساس اندیشه قرآنی مقام معظم رهبری، چه مؤلفه‌ها و ویژگی‌های بنیادینی، نظام ولایی را به عنوان الگویی متمایز و برتر بر سایر نظام‌های سیاسی قرار می‌دهد؟ و همچنین مبانی معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی نظام ولایی که از قرآن کریم استنباط شده است، چیست؟

تبیین این موضوع از چند جهت دارای اهمیت است: تقویت مبانی نظری و توجیه فلسفی نظام جمهوری اسلامی، پاسخگویی به شبهات نظری در مورد ماهیت این نظام، ارائه الگویی عملیاتی و پیشرفته از حکومت برای جهان اسلام، و ترسیم جامعه آرمانی مبتنی بر عدالت، اخلاق و معنویت. اگرچه درباره اندیشه‌های مقام معظم رهبری و نیز نظام ولایی تحقیقاتی انجام شده، اما تحقیق جامعی که به طور خاص و متمرکز، ویژگی‌های تمایزگرایانه نظام ولایی را صرفاً از منظر قرآن در بیانات ایشان استخراج، دسته‌بندی و تحلیل کرده باشد، کمبود احساس می‌شود. این تحقیق با استفاده از روش مطالعه کتابخانه‌ای و تحلیلی-توصیفی در صدد پر کردن این خلأ است.

• پیشینه

نظام ولایی، به عنوان الگویی حکومتی مبتنی بر آموزه‌های قرآن و سنت، همواره مورد تأکید اندیشمندان اسلامی بوده است. مقام معظم رهبری، با تبیین مبانی قرآنی این نظام، برتری آن را نسبت به سایر حکومت‌های بشری و سکولار اثبات نموده‌اند. در این زمینه، تحقیقات متعددی صورت گرفته که پژوهش‌های مرتبط به شرح زیر است:

۱- مؤلفه‌های کارآمدی نظام ولایی در منظومه فکری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) (با تأکید بر فطرت انسان (نعیم آبادی، پریزاد، رضا، ۱۴۰۱)؛ ۲- نقش ولایت‌محوری در استمرار نظام اسلامی و ولایی (حاجی صادقی، ۱۴۰۰)؛ ۳- جایگاه مردم در نظام ولایی (لطیفی پاکده، ۱۳۸۷) ۴- (یثربی، سید یحیی، ۱۳۷۷)، استبداد، سکولاریزم و حکومت دینی؛ و ۵- (شاهدی، غفار، ۱۴۰۳)؛ مبانی و ویژگی‌های جامعه ولایی در قرآن با تأکید بر آرای تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای ۶- (مصباح یزدی، محمد جواد نوروزی، ۱۳۸۷)؛ مردم سالاری دینی و نظریه ولایت فقیه ۷- (مختاری، ایمان، اسماعیلی محسن، ۱۳۹۵)؛ وجوه تشابه و افتراق دموکراسی و ارکان آن با نظام ولایت فقیه از دیدگاه قائلان به دو نظریه نصب (آیت‌الله مصباح یزدی) و نخب (آیت‌الله منتظری)

با این حال، پژوهش‌های مستقلی که به طور خاص ویژگی‌های نظام ولایی را در اندیشه قرآنی مقام معظم رهبری با محوریت مقایسه با سایر حکومت‌ها تحلیل کند، کمتر مشاهده شده و این تحقیق درصدد پر کردن این خلأ علمی است.

این مطالعه با روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به آیات قرآن و بیانات رهبری، به بررسی جامع‌تری از امتیازات نظام ولایی می‌پردازد.

مفهوم نظام ولایی

نظام ولایی در قرآن کریم به عنوان الگویی الهی و مبتنی بر ولایت خداوند، پیامبر (ص) و اولیای الهی تعریف می‌شود. این نظام بر پایه اصولی همچون عدالت، اخلاق، مشارکت مردمی و رهبری الهی استوار است. آیات متعددی در قرآن به این موضوع اشاره دارند:

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائده/۵۵) این آیه به صراحت ولایت خدا، پیامبر و مؤمنان را بیان می‌کند.

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید:۲۵) این آیه هدف از ارسال پیامبران و کتاب‌های آسمانی را برقراری عدالت در جامعه بیان می‌کند.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء:۵۹) این آیه به اطاعت از خدا، پیامبر و اولی الامر تأکید می‌کند که در نظام ولایی، اولی الامر به فقهای عادل و آگاه تفسیر می‌شود.

در اندیشه قرآنی مقام معظم رهبری، نظام ولایی آن حکومتی است که شخص حاکم با آحاد مردم دارای پیوندهای محبت آمیز و عاطفی و فکری و عقیدتی است و مردم به او متصل و پیوسته اند به او علاقه مندند و او منشأ همه این نظام سیاسی و وظایف خود را از خدا می‌داند و خود را عبد و بنده ی خدا می‌انگارد. در حکومت اسلامی، آن کسی که ولی امر است- یعنی کار اداره ی نظام سیاسی به او سپرده شده است- از لحاظ قانون با دیگران یکسان است. او حق دارد بسیاری از کارهای بزرگ را برای مردم و کشور و اسلام و مسلمین انجام دهد اما خود او محکوم قانون است. (بیانات رهبری، ۱۳۷۹/۱/۶) در حقیقت نظام ولایی یک نوع دموکراسی ویژه و حکومت مردمی خاص است که در آن محور قانونگذاری وحی الهی است. (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ۵۱۳ - ۲۱۰)

۱. مبانی قرآنی نظام ولایی

۱.۱. آیه ولایت و مفهوم ولایت الهی

آیه ولایت به عنوان یکی از مهم‌ترین آیات در تبیین نظام ولایی مطرح است: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائده: ۵۵)

مقام معظم رهبری در تفسیر این آیه می‌فرماید: «ولایت الهی و ولایت معصومین (ع) و در عصر غیبت، ولایت فقیه، ادامه همان ولایت الهی است که در قرآن کریم به آن اشاره شده است.» (بیانات رهبری، ۱۳۹۰/۰۳/۱۲) در تحلیل مبانی حکومت دینی، روایت امام علی (ع) در نهج البلاغه (خطبه ۲۵۲) با عبارت «الْإِمَامَةُ نِظَامُ الْأُمَّةِ» بیانگر یک نظریه سیاسی-اجتماعی عمیق است. این گزاره حاکی از آن است که امامت به عنوان یک نظام الهی، کارکرد ساماندهی و انسجام بخشی به پیکره امت اسلامی را بر عهده دارد. این روایت نشان می‌دهد که نهاد ولایت صرفاً یک ساختار سیاسی نیست، بلکه یک نظام تربیتی و هدایتی است که هدف آن، رشد معنوی و اخلاقی جامعه است. این دیدگاه با نظریه «مشروعیت الهی-مردمی» در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری (مدظله العالی) همپوشانی مفهومی دارد. ایشان با استناد به چنین مبانی فقهی-کلامی، نظام ولایی را به عنوان یک الگوی حکومتی دوساحتی تبیین می‌کنند که تمایز ساختاری نظام ولایی را با الگوهای سکولار حکمرانی که عموماً به بعد مادی جامعه محدود می‌شوند، به خوبی آشکار می‌سازد.

۱,۲. آیه اطاعت و نقش رهبری در نظام ولایی

آیه اطاعت نیز به عنوان یکی از مبانی قرآنی نظام ولایی مطرح است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹) در این آیه نه تنها به اطاعت از اولی الامر اشاره می کند، بلکه مفهوم هماهنگی بین حاکمیت الهی و مشارکت مردمی را مطرح می کند. در نظام ولایی، رهبری بر اساس علم، تقوا و عدالت انتخاب می شود و مردم در چارچوب احکام الهی، از این رهبری اطاعت می کنند. این رویکرد، نظام ولایی را از دموکراسی های غربی متمایز می کند، زیرا در این نظام، حاکمیت الهی مقدم بر حاکمیت مردم است.

مقام معظم رهبری در تفسیر آیه شریفه می فرماید:

تنها کسی که حق تحکم دارد، خداست و چون خدا حق تحکم دارد، خدا می تواند طبق مصلحت انسان ها، این حق را به هر که بخواهد بدهد، و می دانیم که کار خدا، بیرون از مصلحت نیست، دیکتاتوری نیست، قلدری و زورگویی نیست کار خدا، طبق مصلحت انسان هاست؛ چون طبق مصلحت انسان هاست، پس بنابراین او معین می کند، ما هم تسلیم می شویم. او معین می کند پیغمبر را، معین می کند امام را، بعد از امام معین می کند آن کسانی را که با معیارها و ملاک های خاصی تطبیق بکنند. می گوید اینها بعد از ائمه هداة معصومین، حاکم بر جامعه اسلامی هستند. پس وگویی را خدا معین می کند؛ خودش وگویی است، پیغمبرش ولی است، امام ها وگویی هستند. امام های خاندان پیغمبر تعیین شده اند، دوازده امام، در رتبه بعد، آن کسانی که با یک معیارها و ملاک های خاصی تطبیق بکنند و جور بیابند، آنها معین شده اند برای حکومت و خلافت. (بیانات رهبری، بیست و هفتم ماه رمضان سال ۱۳۹۴ در پیرامون ولایت)

پس می توان گفت که نظام ولایی، یک نظام ترکیبی است که در آن، حاکمیت الهی و مشارکت مردمی در کنار هم قرار می گیرند. این ترکیب، باعث می شود که نظام ولایی از یک سو، از مشروعیت الهی برخوردار باشد و از سوی دیگر، مشارکت مردم در اداره جامعه را تضمین کند.

۲. ویژگی های نظام ولایی از دیدگاه مقام معظم رهبری

۲,۱. عدالت محوری

عدالت یکی از اصول اساسی در نظام ولایی است و حاکم اسلامی باید در جهت تحقق عدالت در جامعه تلاش کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ۸۷).

قرآن کریم در آیات متعددی بر عدالت تأکید کرده است، مانند آیه: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵) مقام معظم رهبری در این زمینه در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی می فرماید: «عدالت در صدر هدف های اولیه همه بعثت های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای شان و جایگاه است.» (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۸) بنابر فرمایش معظم له، مشخص می شود که نظام ولایی، یک نظام عدالت محور است که هدف آن، ایجاد جامعه ای عادلانه و متوازن است. این ویژگی، نظام ولایی را از سایر نظام های سیاسی متمایز می کند، زیرا در این نظام، عدالت به عنوان یک اصل اساسی، در تمامی سیاست ها و برنامه های حکومتی جریان دارد.

نیز آیه ی شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ» (نساء: ۱۳۵)، تأکید می کند که عدالت محوری باید فارغ از روابط شخصی، خانوادگی یا منافع فردی باشد. حتی اگر اجرای عدالت به ضرر خود انسان یا نزدیکانش تمام شود، باز هم باید بر اساس حق و انصاف عمل کرد. این آیه عدالت را یک وظیفه الهی و نشانه ای از تقوا برای اقامه قسط و عدل در جامعه اسلامی می داند. (قرائتی، ۱۳۹۵، ۱۴۵)

۲،۲. مردمسالاری دینی

نظام ولایی در قرآن کریم با مردمسالاری دینی سازگار است. در آیه ۳۸ سوره شورا آمده است: «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ»؛ و کارهایشان را با مشورت یکدیگر انجام می دهند.

در اصل، اسلام منادی و پیشرو برپایی حکومت‌های مردمی و شورایی در چهارچوب وحی و قوانین الهی است. پیامبر گرامی اسلام به فرمان الهی «و شاورهم فی الامر» (آل عمران: ۱۵۹) در مهمات حکومتی اسلام مشورت می فرمودند و حتی در صورت غلبه رأی جمع بر نظر مبارک ایشان، در مواردی به نظر اصحاب عمل می کردند. شاید بتوان گفت که این امر یکی از رموز پیشرفت سریع و بی سابقه مسلمین در آغاز تاریخ اسلام بوده است (بیانات رهبری/ ۱۳۸۷/۰۳/۲۵) آیه نشان می دهد که مشورت و مشارکت مردم، یکی از ارکان اصلی نظام ولایی است. مردمسالاری دینی در نظام ولایی، به معنای مشارکت مردم در اداره جامعه در چارچوب احکام الهی است. این رویکرد، نظام ولایی را از دموکراسی های غربی متمایز می کند، زیرا در این نظام، مشارکت مردم در چارچوب ارزش های دینی و اخلاقی صورت می گیرد. در نظام ولایی، مردم با انتخاب خود، ولی فقیه را به عنوان رهبر جامعه برمی گزینند و این انتخاب، در چارچوب احکام اسلام صورت می گیرد. (نک: جوادی آملی، ۱۳۸۰، ۹۸)

مقام معظم رهبری درباره مردمسالاری نظام ولایی می فرماید: «نظام ولایی نظامی است که در آن مردم با انتخاب خود، ولی فقیه را به عنوان رهبر جامعه برمی گزینند و این انتخاب در چارچوب احکام الهی صورت می گیرد». (بیانات رهبری، ۱۳۹۰/۰۴/۱) در جایی دیگر می فرماید: «مردم در نظام ولایی نقش بسیار مهمی دارند. آن ها هستند که با حضور خود در صحنه های مختلف، از جمله انتخابات، به نظام مشروعیت می بخشند. اما این مشارکت باید در چارچوب احکام اسلامی و تحت هدایت ولی فقیه باشد». (بیانات رهبری، ۱۳۹۶/۱۰/۱۲)

۱،۲،۲. توجه به مستضعفین جهان

تفاوت نظام ولایی با بقیه حکومت ها در نوع رسیدگی به مستضعفین همراه با تعاون و همدلی می باشد. قرآن کریم بر لزوم حمایت مؤمنان از مردان، زنان و کودکان ناتوان و مستضعف خداپرست و مومن تاکید می کند: «وَمَا لَكُمْ لَاتُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمُ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا» (نساء: ۷۵)؛ چرا در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده اند پیکار نمی کنید؟، همان افراد (ستم دیده ای) که می گویند خدایا ما را از این شهر (مکه) که اهلش ستمگرند بیرون ببر و برای ما از طرف خود سرپرست قرار بده. و از برای ما از طرف خود یار و یابری تعیین فرما. کلمه، (مستضعفین) عطف شده بر موضع لفظ (الله)، و به آیه این معنا را می دهد: که چرا در راه خدا نمی رزمید و چرا در راه نجات مستضعفین نمی جنگید. و خلاصه کلام این که آیه شریفه به این دسته از مردم می فرماید اگر ایمان به خدایتان ضعیف است، حداقل غیرت و تعصب دارید، و همین غیرت و تعصب اقتضا می کند از جای برخیزید و شر دشمن را از سر یک مشت زن و بچه و مردان ضعیف کوتاه کنید. (طباطبایی، ۱۳۷۵، چ ۶، ۶۷۲)

امام خامنه ای درباره توجه به مستضعفین جهان می فرماید: «حکم قطعی شرعی این است که بر همه واجب است تلاش کنند، کمک کنند و فلسطین را به مسلمانها، به صاحبان اصلی اش برگردانند. و کنار مردم لبنان و حزب الله سرافراز بایستند و در رویارویی با رژیم غاصب آنان را یاری کنند. (بیانات رهبری، ۱۴۰۳/۰۷/۰۷)

در این باره می توان گفت که نظام ولایی با ترکیب حکمرانی عادلانه، تکلیف گرایی دینی و مشارکت مردمی، الگویی متفاوت از حکومت داری ارائه می دهد که در آن مستضعفین به حاشیه رانده نمی شوند، بلکه در مرکز توجه هستند. این رویکرد، نه تنها در سیاست گذاری داخلی، بلکه به عنوان یک الگوی جهانی عدالت محور می تواند مطرح شود.

۲,۳. مقاومت در برابر استکبار

نظام ولایی، با الهام از قرآن، هرگز در برابر ظلم و استکبار کوتاه نمی آید. همان طور که قرآن هشدار می دهد: «وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَمَا تَمْسِكُمُ النَّارُ» (هود: ۱۱۳) به ستمگران گرایش نیابید، که آتش دوزخ در انتظارتان خواهد بود. مقاومت در برابر زورگویان، نه تنها به معنای مقابله با قدرت های استکباری، بلکه به معنای دفاع از حقوق مظلومان و مستضعفان در سراسر جهان است. در نظام ولایی، مقاومت در برابر استکبار، به عنوان یک اصل استراتژیک مطرح می شود که هدف آن، ایجاد توازن در نظام بین الملل و دفاع از حقوق انسان ها است. مقام معظم رهبری در این زمینه تأکید می کنند:

از برجسته ترین نقاط خط امام که در وصیت نامه و در همه ی بیانات امام منعکس است، لزوم ایستادگی قاطع در مقابل طمع ورزان و مستکبران است. تسلیم در مقابل زورگویان جهان، زورگو را به زورگوئی تشویق می کند. (بیانات رهبری، ۱۳۸۷/۰۳/۱۴) در بیاناتی دیگر می فرماید: مقابله ی ملت ما با استکبار، ریشه ی دینی هم دارد. کلمه ی استکبار و مستکبر و در مقابلش استضعاف و مستضعف، در قرآن هست. (بیانات رهبری، ۱۳۷۸/۰۸/۱۲)

این رویکرد نشان می دهد که نظام ولایی، یک نظام مقاومتی است که در برابر ظلم و استکبار جهانی ایستادگی می کند. این ویژگی، نظام ولایی را از سایر نظام های سیاسی متمایز می کند، زیرا در این نظام، مقاومت در برابر استکبار، به عنوان یک اصل اساسی برگرفته از قرآن کریم، در سیاست های خارجی و داخلی جریان دارد.

۲,۴. توجه به اخلاق و معنویت

نظام ولایی در پرتو قرآن کریم، اخلاق و معنویت را سرلوحه خود قرار داده است «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم: ۴)؛ و راستی که تو بر خلقی عظیم استواری.

این نظام با تأسی به سیره پیامبر اکرم (ص)، پابندی به ارزش های اخلاقی و تقویت روحیه معنوی را به عنوان اساس حکمرانی می داند. در نظام ولایی، اخلاق تنها به رفتار فردی محدود نمی شود، بلکه به عنوان معیاری برای سیاست گذاری ها، روابط اجتماعی و حتی تعاملات بین المللی مورد توجه قرار می گیرد.

تأکید بر فضیلت هایی مانند عدالت، صداقت، ایثار و مسئولیت پذیری، نشان دهنده جایگاه رفیع اخلاق در این نظام است. از این رو، نظام ولایی نه تنها در پی تأمین نیازهای مادی جامعه است، بلکه پرورش انسان های متعهد و بااخلاق را نیز رسالت خود می داند. از این رو «نظام ولایی نظامی است که در آن اخلاق و معنویت به عنوان پایه های اساسی جامعه مطرح می شوند.» (بیانات رهبری، ۱۳۹۶/۰۵/۱۰)

اخلاق و معنویت در نظام ولایی، نه تنها به عنوان ارزش های فردی، بلکه به عنوان پایه های اساسی حکومت مطرح می شوند. در این نظام، حاکم موظف است که الگوی اخلاقی برای جامعه باشد و در جهت رشد اخلاقی و معنوی انسان ها تلاش کند. این رویکرد، نظام ولایی را از سایر نظام های سیاسی متمایز می کند، زیرا در این نظام، اخلاق و معنویت، به عنوان پایه های اساسی حکومت، در تمامی سیاست ها و برنامه های حکومتی جریان دارند. بنابراین دموکراسی غربی به دلیل فقدان عنصر معنویت، اخلاق و دیانت، (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ۷۱) زمینه سوء استفاده از آرای اکثریت را در درون

خود دارد و یگانه ابزار کنترل را ضمانت های بیرونی میداند. ولی در نظام مردم سالاری دینی ایمان و تقوای درونی مسئولان زمینه سوء استفاده را منتفی می کند. (قربانی، ۱۳۹۰، ۱۱۹)

بر این اساس، نظام ولایی، یک نظام اخلاق محور است که هدف آن، ایجاد جامعه ای اخلاقی و معنوی است. این رویکرد، باعث می شود که نظام ولایی از یک سو، از رشد اخلاقی و معنوی جامعه حمایت کند و از سوی دیگر، از انحرافات اخلاقی و اجتماعی جلوگیری کند. و نظام ولایی بر پایه اخلاق و معنویت استوار است و حاکم اسلامی باید الگوی اخلاقی برای جامعه باشد. (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ۱۴۵)

۲.۵. وحدت گرایی

هدف از نظام ولایی ایجاد وحدت در جامعه است. در آیه ۱۰۳ سوره آل عمران آمده است: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (و همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید و پراکنده نشوید).

اعتصام به حبل الله برای هر مسلمان یک وظیفه است؛ اما قرآن اکتفا نمی کند به اینکه ما را به اعتصام به حبل الله امر کند، بلکه به ما می گوید که اعتصام به حبل الله را در هیئت اجتماع انجام بدهید؛ «جمیعاً»؛ همه با هم اعتصام کنید. و این اجتماع و این اتحاد، یک واجب دیگر است. بنابراین، علاوه بر اینکه مسلمان باید معتصم به حبل الله باشد، باید این اعتصام را به همراه دیگر مسلمان ها و همدست با آن ها انجام دهد. (بیانات رهبری، ۱۳۹۱/۵/۹)

مقام معظم رهبری با تأکید بر بنیان توحیدی جامعه اسلامی، وحدت را تجلی عینی ایمان به خدای یگانه می دانند که در سایه نظام ولایت تحقق می یابد. ایشان بیان می فرمایند در جامعه ای که محور آن توحید است، انسان ها به عنوان اعضای یک پیکره به هم پیوند خورده و با اتکا به ولایت به عنوان حلقه وصل امت، هم در درون به همبستگی می رسند و هم در برابر جهان خارج دارای جاذبه معنوی می شوند. این نگاه هم الگوی جامعه آرمانی را ترسیم می کند و هم سلاح کارآمدی در برابر تفرقه افکنی های دشمنان اسلام است..» (بیانات رهبری، 1368/09/29)

این سخن نشان می دهد که وحدت گرایی در نظام ولایی، به معنای ایجاد همبستگی و جلوگیری از تفرقه در جامعه است.

۶. شایسته سالاری

نظام ولایی در قرآن کریم بر شایسته سالاری تأکید دارد. در آیه ۲۴۷ سوره بقره آمده است: «وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلَكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ» و پیامبرشان به آنها گفت: همانا خداوند «طالوت» را برای زمامداری شما مبعوث و (انتخاب) کرده است، گفتند: چگونه او بر ما حکومت داشته باشد در حالی که ما از او به فرمانروایی شایسته تریم و به او ثروت زیادی داده نشده است؟ پیامبرشان گفت: خداوند او را بر شما برگزیده و توان علمی و جسمی او را افزون نموده است و خداوند ملکش (فرماندهی و رهبری) را به هر کس بخواهد می بخشد و خداوند (احسانش) وسیع و (به لیاقت ها و توانایی های افراد) آگاه است.

در فتح مکه، زمانی که پیامبر اکرم (ص) می بایست حاکمی برای این شهر تعیین کنند، همه انتظار داشتند ایشان یکی از بزرگان و پیشکسوتان را انتخاب کنند؛ اما تعجب همگان را برانگیختند وقتی جوانی ۱۹ ساله را به این مسئولیت گماردند. وقتی برخی به سن کم آن جوان اعتراض کردند، پیامبر (ص) فرمودند: "هیچ کس نباید جوان بودن او را دلیل مخالفت خود قرار دهد" و سپس درس ماندگاری به بشریت دادند که "بزرگی سن به معنای برتری نیست، بلکه برتری حقیقی از آن شایسته ترین افراد است. (مجلسی، ۱۴۴۰، ج ۱۲، ۱۲۳)

این سیره نبوی نشان می دهد که در نظام اسلامی: شایستگی ملاک اصلی است، نه سن و سال یا روابط شخصی و همچنین گزینش ها باید بر اساس صلاحیت های واقعی انجام شود در تمام قوای سه گانه، نیروهای مسلح و نهادهای مختلف نظام

جمهوری اسلامی باید این اصل طلایی (الافضل هو الاکبر) به دقت رعایت شود. این نه تنها یک دستور العمل مدیریتی، بلکه یک تکلیف شرعی و انقلابی است که تحقق عدالت و پیشرفت کشور به آن وابسته است. (بیانات رهبری، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴)

این سخن نشان می‌دهد که شایسته سالاری در نظام ولایی، به معنای انتخاب افراد بر اساس تواناییها و شایستگیهای آنها است. شاخصه برجسته و کلیدی دیگر حکومت ولایی توجه به این مساله است که در این مدل از حکومت آنچه ملاک و معیار حاکمیت و قرار گرفتن در راس امور است وجود برخی صلاحیتهای انسانی و الهی از جمله علم و تقوا و عدالت است که در هر فردی وجود داشته باشد آن شخص می‌تواند در این نظام صاحب منصب گردد.

۷. مسئولیت پذیری

در نظام ولایی، اولیای الهی مسئولیت سنگینی در قبال جامعه دارند. در آیه ۷۲ سوره احزاب آمده است: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» (ما امانت را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه کردیم، ولی آنها از حمل آن امتناع کردند و از آن ترسیدند، ولی انسان آن را بر دوش کشید؛ او بسیار ستمکار و نادان بود).

در روایتی از امام علی (ع) آمده است: «وَالْأَمِيرُ الَّذِي عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ؛ امیر، نگهبان و مسئول در قبال رعیت خود است». (صحیح مسلم، ۱۴۱۲، ج ۳ ص ۱۴۵۹)

رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانات خود فرمودند:

«در نظام جمهوری اسلامی، پذیرش مسئولیت به معنای کامجویی از قدرت نیست؛ به معنای قبول زحمات خدمت به مردم است؛ این معنای قبول زحمت است؛ معنای مسئولیت در نظام جمهوری اسلامی این است (بیانات رهبری، ۱۳۹۲/۰۵/۱۲)

این سخن نشان می‌دهد که مسئولیت‌پذیری در نظام ولایی، به معنای پاسخگویی در قبال اعمال و تصمیمات است.

۳. مقایسه نظام ولایی با سایر حکومت‌ها

۳،۱. تفاوت با حکومت‌های سکولار

نظام ولایی:

نظام ولایی بر پایه حاکمیت الهی استوار است. در این نظام، قوانین و مقررات بر اساس احکام الهی و شریعت اسلام تنظیم می‌شوند و فقیه عادل به عنوان نماینده امام معصوم (ع) در عصر غیبت، مسئولیت هدایت جامعه را بر عهده دارد. (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۳) در نظام ولایی، اساس حرکت بر پابندی به مبانی است. آن چیزی که به عنوان مبدأ مشروعیت این نظام محسوب می‌شود، یعنی ولایت الهی که منتقل می‌شود به فقیه، مشروط است به پابندی بر احکام الهی. آن کسی که در رتبه رهبری نشسته است، اگر نسبت به آرمان‌های اسلامی، نسبت به قوانین اسلامی از لحاظ نظری یا عملی، بی‌قید شود، از مشروعیت می‌افتد و دیگر اطاعت او بر کسی واجب نیست، بلکه جایز نیست. (بیانات رهبری، ۱۳۸۵/۰۳/۱۴)

حکومت‌های سکولار:

حکومت‌های سکولار بر پایه جدایی دین از سیاست استوار هستند. در این نظام‌ها، قوانین بر اساس خواست مردم و مصالح دنیوی تنظیم می‌شوند.

معظم له در این باره فرمودند: «نظام ولایی بر خلاف حکومت‌های سکولار، دین را به عنوان محور اصلی سیاست و حکومت قرار می‌دهد. این تفاوت باعث می‌شود که نظام ولایی در تحقق عدالت و اخلاق موفق‌تر باشد. (بیانات رهبری، ۱۲/۰۳/۱۳۹۰)

۳،۲. تفاوت با دموکراسی‌های غربی

نظام ولایی یا حکومت مبتنی بر ولایت فقیه، که در اندیشه سیاسی جمهوری اسلامی ایران و به ویژه در دیدگاه‌های مقام معظم رهبری، آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای مطرح است، دارای ویژگی‌ها و تفاوت‌های اساسی با سایر نظام‌های حکومتی است. این تفاوت‌ها ریشه در تفسیر خاص از مفاهیم قرآنی و اسلامی دارد. در ادامه به برخی از این تفاوت‌ها اشاره می‌شود:

3.2.1. مبناهای الهی و دینی

نظام ولایی: این نظام بر اساس آموزه‌های اسلامی و قرآنی شکل گرفته است و ولایت فقیه به عنوان نماینده‌ی امام زمان (عج) و حاکم اسلامی، مسئولیت هدایت جامعه را بر عهده دارد. در این نظام، قوانین و سیاست‌ها باید با شریعت اسلام و احکام قرآن سازگار باشند.

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: نظام جمهوری اسلامی، نظامی است که بر پایه‌ی ولایت فقیه استوار است. ولایت فقیه یعنی حکومت دینی، حکومتی که در آن احکام الهی اجرا می‌شود و قوانین بر اساس قرآن و سنت تنظیم می‌گردد. این نظام، نظامی الهی است و مشروعیت خود را از خداوند می‌گیرد. (سخنرانی در جمع مسئولان نظام، ۱۳۹۸/۰۲/۲۴)

سایر حکومت‌ها: بسیاری از نظام‌های حکومتی، مانند دموکراسی‌های غربی، بر پایه‌ی اصول سکولار و انسانی بنا شده‌اند و قوانین آنها بیشتر بر اساس خواست مردم و مصالح دنیوی تنظیم می‌شود.

۳،۲،۲. منشأ مشروعیت

نظام ولایی: مشروعیت حکومت در نظام ولایی از جانب خداوند و از طریق ولایت فقیه تأمین می‌شود. فقیه عادل و آگاه به زمان، به عنوان ولی امر مسلمین، مسئولیت اجرای احکام الهی را بر عهده دارد.

رهبری در این زمینه می‌فرماید: «مشروعیت نظام ولایی از آنجایی ناشی می‌شود که ولی فقیه، نماینده‌ی امام زمان (عج) است و مسئولیت اجرای احکام الهی را بر عهده دارد. این مشروعیت، الهی است و نه مردمی، هرچند که مردم در انتخاب کارگزاران نظام نقش دارند. (سخنرانی در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۵/۱۲/۱۹)

در تئوری سیاسی اسلام، علاوه بر این که اصل قانون را خداوند باید وضع کند و بر اساس سیستم ولایی قوانین و مقرراتی که از سوی خداوند، رسول خدا، امام معصوم و جانشین خاص و یا عام او امضا می‌شود اعتبار دارد، مجری قانون را نیز خداوند باید تعیین کند.

در زمانی که پیغمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) یا امام معصوم حضور داشته باشد یا شخصاً متصدی اجرا می‌گردد و یا کسی را از طرف خود منصوب می‌کند که عهده‌دار اجرای قانون گردد؛ چنانکه مالک‌اشتر به عنوان والی مصر از طرف حضرت علی (علیه السلام) منصوب شد تا در آنجا عهده‌دار اجرای قانون گردد. اما در زمان غیبت امام که مردم به ایشان دسترسی ندارند، مسئولیت اجرای قوانین به عهده کسی است که با نصب عام از سوی امام معصوم برگزیده شده است و این همان تئوری ولایت فقیه است (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۳)

سایر حکومت‌ها: در نظام‌های دموکراتیک، مشروعیت حکومت از طریق رأی مردم و انتخابات تأمین می‌شود. در نظام‌های سلطنتی یا دیکتاتوری نیز مشروعیت ممکن است بر اساس سنت، زور یا ایدئولوژی خاصی باشد.

3.2.3. هدف حکومت

با توجه به تعالیم عالیه قرآن می‌توان گفت مهم‌ترین هدف نظام ولایی عبارت است از:

الف. هدایت انسان‌ها به سوی پروردگار و بندگی او که تنها راه تکامل بشر است :

کسانی که چون در زمین به آنان قدرت دهیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده و امی دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند، و فرجام همه کارها از آن خدا است: **الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (حج: ۴۱)**

کسانی که اگر آنان را در زمین به قدرت رسانیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و (دیگران را) به خوبی‌ها دعوت می‌کنند و از بدی‌ها باز می‌دارند؛ و پایان همه‌ی امور برای خداست .

ب. استقرار توحید و خداپرستی در زمین و رهانیدن مردم از بندگی و فرمانبرداری غیر خدا:

«وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ (نحل: ۳۶)»؛ همانا ما در میان هر امتی پیامبری را برانگیختیم (تا به مردم بگویند) که خدا را پرستید و از طاغوت (و هر معبودی جز خدا) دوری نمایید.

مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید: هدف نظام ولایی، تحقق عدالت اجتماعی و اجرای احکام الهی است. ما به دنبال ایجاد جامعه‌ای هستیم که در آن ارزش‌های اسلامی حاکم باشد و مردم در سایه‌ی این ارزش‌ها به سعادت دنیوی و اخروی دست یابند. (سخنرانی در جمع دانشجویان، ۱۳۹۷)

ج. آزادسازی و رهایی توده‌های مردم و انسان‌های مستضعف از چنگال ظالمان و ستمگران و از زنجیرهای اسارت و بردگی: «... وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ (اعراف: ۱۵۷)»؛ و از آنان بار گران (تکالیف سخت) و بندهایی را که بر آنان بوده برمی‌دارد (و آزادشان می‌کند).

د. برپایی جامعه نمونه و مدینه فاضله از راه اقامه قسط و عدل اسلامی:

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ .. (حدید: ۲۵)» همانا ما پیامبران را با معجزات و دلایل آشکار فرستادیم و همراه آنان کتاب (آسمانی) و وسیله سنجش فرو فرستادیم تا مردم به دادگری برخیزند.

سایر حکومت‌ها: در نظام‌های دیگر، اهداف ممکن است شامل تأمین رفاه مادی، حفظ امنیت، یا تحقق آزادی‌های

فردی باشد. این اهداف اغلب بر اساس نیازها و خواسته‌های دنیوی تعریف می‌شوند. به عبارت دیگر در دموکراسی غربی، رویکرد حاکم بر اهداف نظام سیاسی، تقلیل گرایانه است. (قربانی، ۱۳۹۰، ۱۱۸) همچنین در دموکراسی غربی حکومت در برابر اصول اخلاقی هیچگونه مسئولیتی ندارد و تمام تلاش آن به رفع خواسته آنی منعطف می‌شود که این الگو از دموکراسی بستر مناسب برای رواج ابتذال و فساد اخلاقی است. تا آنجا که عدم مشروعیت حفظ اخلاقیات اخیراً به منزله یکی از اهداف لیبرالیستی شناخته شده است. (اندرو لویی، ۱۴۹، ۱۳۸۰) بنابراین در نظام ولایی بر خلاف نظام دموکراسی ترویج ارزشها و اصول اخلاقی یکی از اهداف اصلی این نظام است.

همچنین قانون از دیدگاه اسلام، باید به صورتی باشد که انسان را به مصالح و منافع معنوی‌اش نیز برساند و تنها تأمین نظم و امنیت اجتماعی کارویژه قانون نیست. در دیدگاه لیبرالیستی، چون هدفی جز لذت بردن از دنیا وجود ندارد، قانون رسالتی جز فراهم کردن اسباب لذت ندارد، چیزی که محل لذت بردن انسانها در زندگی و استفاده آنها از قدرت خویش می‌شود، ایجاد مزاحمت برای دیگران است. بنابراین، تا آنجا که استفاده بردن از قدرت و لذت‌ها آزادی‌های

دیگران را به خطر نیندازد، قانون با آن کاری ندارد. پس فلسفه قانون تنها حفظ آزادی‌های دیگران و امکان برخورداری مردم از خواسته‌ها و رسیدن به هوسهایشان است. این، هدف قانون در تفکر اومانیستی و لیبرالیستی غرب است، بر این اساس گستره قانون بسیار محدود خواهد بود و دولت باید کمترین دخالت را در زندگی مردم داشته باشد، چون اصل این است که مردم آزاد باشند و هر کاری که دلشان می‌خواهد بکنند. بر این اساس، این جمله معنا پیدا می‌کند که حفظ آزادی‌ها فوق قانون است.

اما از دیدگاه اسلام، قانون برای این است که مسیر صحیح زندگی انسانها را ترسیم کند و جامعه را به سوی مصالح مادی و معنوی هدایت کند. حاکم اسلامی نیز کسی است که این مصالح را در جامعه پیاده کند و از هر آنچه که این مصالح را تهدید می‌کند جلوگیری به عمل آورد. لذا بین وظیفه حاکم اسلامی با حاکم دموکراتیک و لیبرال تفاوت بسیاری وجود دارد، زیرا او باید اجازه دهد تا زمینه‌ای فراهم آید تا مردم خواسته‌ها و هوسهای خود را تحقق بخشند و فقط باید از بی‌نظمی و هرج و مرج جلوگیری کند و هیچ مانع دیگری نمی‌تواند ایجاد کند. آن کسانی که می‌گویند آزادی فوق قانون است، مخصوصاً کسانی که اهل علم و تحصیل و تحقیق هستند و خودشان را صاحب نظر می‌دانند، باید دقت بیشتری داشته باشند و مطالب را دقیقاً مورد تفحص و بررسی قرار دهند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ۱۸۰)

۳،۲،۴. نقش مردم

نظام ولایی: در نظام ولایی، مردم نقش مهمی در انتخاب کارگزاران نظام و مشارکت در امور سیاسی دارند، اما این مشارکت در چارچوب احکام اسلامی و تحت هدایت ولی فقیه انجام می‌شود. مردم موظف به اطاعت از ولی فقیه هستند، زیرا او را نماینده‌ی خدا و امام زمان می‌دانند.

مقام معظم رهبری می‌فرماید: «مردم در نظام ولایی نقش بسیار مهمی دارند. آن‌ها هستند که با حضور خود در صحنه‌های مختلف، از جمله انتخابات، به نظام مشروعیت می‌بخشند. اما این مشارکت باید در چارچوب احکام اسلامی و تحت هدایت ولی فقیه باشد.» (سخنرانی در دیدار با مردم قم ۱۳۹۶/۱۰/۱۹)

سایر حکومت‌ها: در نظام‌های دموکراتیک، مردم به عنوان منبع اصلی قدرت شناخته می‌شوند و حاکمان به طور مستقیم توسط مردم انتخاب می‌شوند. در نظام‌های استبدادی، نقش مردم ممکن است بسیار محدود باشد.

حضرت آقا در این باره فرموده اند: «مبنای مردم‌سالاری دینی با مبنای دموکراسی غربی متفاوت است. مردم‌سالاری دینی - که مبنای انتخابات ماست و برخاسته‌ی از حق و تکلیف الهی انسان است - صرفاً یک قرارداد نیست. همه‌ی انسان‌ها حق انتخاب و حق تعیین سرنوشت دارند؛ این است که انتخابات را در کشور و نظام جمهوری اسلامی معنا می‌کند. این، بسیار پیشرفته‌تر و معنادارتر و ریشه‌دارتر از چیزی است که امروز در لیبرال دموکراسی غربی وجود دارد.» (بیانات در سال ۱۳۸۴/۰۶/۲۴).

۳،۲،۵. قانون‌گذاری

نظام ولایی: قانون‌گذاری در نظام ولایی باید مطابق با احکام قرآن و سنت پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) باشد. شورای نگهبان به عنوان نهاد نظارتی، تضمین می‌کند که قوانین مصوب مجلس با شرع اسلام سازگار باشند. (سخنرانی در جمع نمایندگان مجلس ۱۳۹۴/۰۳/۰۶) در تئوری سیاسی اسلام و ساختار حکومتی اسلام همان‌طور که باید قانون به خداوند انتساب پیدا کند - بدین معنا که قانون یا متن قرآن است که کلام خداست و یا در کلام پیامبر تبیین می‌شود که از طرف خدا اعتبار یافته، یا از سوی امام معصوم تبیین شده که از طرف پیغمبر اعتبار یافته است و یا از سوی کسی وضع می‌شود که حق قانونگذاری به او داده شده است (مصباح یزدی، ۱۳۷۹، ۱۱۳)

سایر حکومت‌ها: در نظام‌های سکولار، قانون‌گذاری بر اساس خواست مردم، مصالح ملی، و اصول حقوق بشر انجام می‌شود و لزوماً با دین مرتبط نیست. اگر تصمیم قانونگذار بر اساس خواسته مردم باشد و ملاک و معیار قانون خواست مردم باشد، عملاً هوسبازان غالب خواهند شد؛ یعنی، همان چیزی که محور اساسی اندیشه اومانیزم و لیبرالیسم است، زیرا در این دیدگاه شأن قانون بیش از این نیست که صرفاً از هرج و مرج جلوگیری کند و به تأمین خواسته‌های مردم اهتمام ورزد؛ اما از دیدگاه اسلامی این موضوع قابل قبول نیست، زیرا اشکال مبنایی دارد. (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ۱۸۲)

دموکراسی، یعنی مردم سالاری یا حکومت مردم. به عبارت دیگر، یعنی اعتبار دادن به نظر و رأی مردم. حال این اعتبار محدود است یا نامحدود؟ آیا وقتی می‌گوییم میزان رأی مردم و اصالت با رأی مردم است، یعنی هرچند برخلاف رأی خدا باشد، یا اعتبار رأی مردم در حدی است که تضادی با حکم خدا و اراده خدا نداشته باشد؟ آنچه از این مفهوم و واژه در غرب اراده می‌شود این است که نظر مردم ملاک اصلی است و هیچ نیروی دیگری در آسمان و زمین حق ندارد در سرنوشت مردم و در قانونگذاری برای مردم دخالت کند، قانون همان است که مردم می‌خواهند. (مصباح یزدی، ۱۳۷۹، ۱۸۴)

بر اساس نظریه ولایت فقیه، احکام و مقررات دولت اسلامی و قوانین موضوعه مجلس شورای اسلامی پس از تأیید شورای نگهبان شرعاً واجب الطاعه است؛ چون برخوردار از اذن ولیّ فقیه است و اذن او تابع اذن خداوند است. این امتیاز بزرگی است که این نظام دارد. اما اگر ما نظام ولایت فقیه را نپذیریم، تبعیت از مقررات و قوانین حداکثر از وجوب عرفی برخوردار است که مستند به تعهدی است که مردم به خواست خود در قبال قوانین دارند و می‌توانند از آن تعهد سر باز زنند و درخواست خود تجدید نظر کنند و به میل خود موادی از قانون را تغییر دهند. پس هیچ الزام شرعی برای اطاعت مردم از قوانین، در سیستم دموکراسی، وجود ندارد. این سطح از تبعیت و پذیرش قوانین و مقررات، از برجستگی‌ها و ویژگی‌های نظام الهی است که در کشور ما تحت عنوان نظام ولایت فقیه تحقق یافته است (بشریه، ۱۳۸۵، ص ۳۱۹)

3.2.6. عدالت اجتماعی

نظام ولایی: در نظام ولایی، عدالت اجتماعی به عنوان یکی از اهداف اصلی حکومت مورد تأکید قرار می‌گیرد. این عدالت بر اساس تعالیم قرآن و سنت اسلامی تعریف می‌شود و شامل تأمین حقوق فقرا، مبارزه با فساد، و توزیع عادلانه منابع است. هدف نهایی ارسال پیامبران نیز این امر مهم است تا آنجا که فقدان این اصل در جامعه منافی با آیه شریفه: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل/۹۰) است حتی در خصوص دشمنان هم نباید کنار گذاشته شود.

رهبری در این زمینه می‌فرماید: «عدالت اجتماعی یکی از اهداف اصلی نظام ولایی است. ما باید به دنبال ایجاد جامعه‌ای باشیم که در آن فقر و فساد ریشه کن شود و منابع به صورت عادلانه توزیع گردد. این عدالت بر اساس تعالیم قرآن و سنت اسلامی تعریف می‌شود. (سخنرانی در دیدار با کارگران، ۱۴۰۳/۰۲/۰۵)

سایر حکومت‌ها: در برخی نظام‌ها، عدالت اجتماعی ممکن است بر اساس اصول سوسیالیستی یا لیبرالی تعریف شود و لزوماً با مفاهیم دینی مرتبط نباشد. بنابراین در نظام ولایی، افراد و حاکمیت با ابزار عدالت حرکت میکنند. در صورتی که در سایر حکومت‌ها چنین تعهدی وجود ندارد. بلکه هدف اصلی آزادی بوده و عدالت به عنوان وسیله دستیابی به آزادی است. و بر آزادی بر عدالت اجتماعی اولویت داشته و بر آن تأکید میشود. به همین جهت، در مواقع تعارض بین آزادی و عدالت اجتماعی، آزادی مقدم شده و عدالت اجتماعی ضد ارزش خواهد بود. (بشریه، ۱۳۸۵، ۲۴۷)

۳،۲،۷. جهان‌بینی

نظام ولایی: جهان‌بینی نظام ولایی مبتنی بر توحید و اعتقاد به حاکمیت مطلق خداوند بر جهان است. این نظام به دنبال ایجاد جامعه‌ای است که در آن ارزش‌های الهی و معنوی حاکم باشد.

مقام معظم رهبری در این زمینه میفرماید: «نظام ولایی بر اساس جهان‌بینی توحیدی استوار است. ما معتقدیم که حاکمیت مطلق از آن خداست و همه‌ی قوانین و سیاست‌ها باید در چارچوب این جهان‌بینی تنظیم شوند. این نظام به دنبال ایجاد جامعه‌ای است که در آن ارزش‌های الهی و معنوی حاکم باشد.» (سخنرانی در جمع روحانیون، ۱۳۹۸/۰۲/۱۸)

سایر حکومت‌ها: در بسیاری از نظام‌های دیگر، جهان‌بینی ممکن است سکولار یا مادی‌گرا باشد و بر پیشرفت مادی و تکنولوژیکی تأکید کند.

نتیجه‌گیری

بر اساس پژوهش حاضر می‌توان نتیجه گرفت که نظام ولایی به عنوان الگویی الهی و برگرفته از تعالیم ناب اسلامی، دارای ویژگی‌های متمایز و برتری نسبت به سایر نظام‌های سیاسی رایج در جهان است. این تمایزات ریشه در مبانی قرآنی و اندیشه‌های ناب اسلامی دارد که توسط رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران تبیین و تشریح شده‌اند. ویژگی‌های کلیدی نظام ولایی عبارتند از:

۱. عدالت‌محوری: نظام ولایی با تأکید بر آیات قرآن کریم، عدالت را به عنوان محور اصلی حکمرانی قرار داده و در پی ایجاد جامعه‌ای عادلانه و متوازن است. این عدالت تنها به حوزه‌های اقتصادی محدود نمی‌شود، بلکه عدالت اجتماعی، قضایی و سیاسی را نیز در بر می‌گیرد.

۲. مردمسالاری دینی: بر خلاف دموکراسی‌های غربی که بر محور خواست مردم بدون توجه به احکام الهی استوار هستند، مردمسالاری دینی در نظام ولایی به معنای مشارکت مردم در چارچوب ارزش‌های اسلامی و تحت هدایت ولی فقیه است.

۳. مقاومت در برابر استکبار: نظام ولایی با الهام از قرآن کریم، هرگز در برابر ظلم و استکبار جهانی کوتاه نمی‌آید و همواره از حقوق مستضعفان و مظلومان در سراسر جهان دفاع می‌کند.

۴. توجه به اخلاق و معنویت: در این نظام، اخلاق و معنویت به عنوان پایه‌های اساسی حکمرانی مورد توجه قرار می‌گیرند و حاکم اسلامی موظف است الگوی اخلاقی برای جامعه باشد.

۵. وحدت‌گرایی: نظام ولایی با تأکید بر آیات قرآن، وحدت و انسجام جامعه اسلامی را تضمین می‌کند و از تفرقه و اختلاف جلوگیری می‌نماید.

۶. شایسته‌سالاری: در این نظام، انتخاب افراد برای مناصب مختلف بر اساس شایستگی‌های علمی، تقوا و عدالت انجام می‌شود و نه بر اساس روابط شخصی یا ثروت.

۷. مسئولیت‌پذیری: حاکمان و کارگزاران نظام ولایی در قبال مردم و خداوند مسئول هستند و این مسئولیت‌پذیری باعث پاسخگویی و شفافیت در عملکرد آنان می‌شود.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نظام ولایی بر خلاف حکومت‌های سکولار و دموکراسی‌های غربی، مشروعیت الهی دارد و قوانین آن بر اساس احکام اسلامی تنظیم می‌شوند. در حالی که در نظام‌های سکولار، دین از سیاست جدا است و قوانین بر اساس خواست مردم و مصالح دنیوی وضع می‌شوند، در نظام ولایی، دین و سیاست در هم آمیخته‌اند و هدف نهایی، سعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها است.

همچنین، در نظام ولایی، مردم نقش مهمی در تعیین سرنوشت خود دارند، اما این نقش در چارچوب احکام اسلامی و تحت هدایت ولی فقیه تعریف می‌شود. این در حالی است که در دموکراسی‌های غربی، مردم منبع اصلی قدرت هستند و هرگونه محدودیت برای خواست آنان غیرقابل قبول است.

کتابنامه

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- ۱. اندرو لویی، ۱۳۸۰، طرح و نقد نظریه لیبرال دموکراسی، ترجمه سعید زیبا کلام، تهران، سمت.
- ۲. بشیریه، حسین، ۱۳۸۵، آموزش دانش سیاسی، تهران، موسسه نگاه معاصر.
- ۳. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۰، «ولایت فقیه؛ ولایت فقاقت و عدالت»، قم، انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۰، «حکومت اسلامی و مردمسالاری دینی»، قم، انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۹، «اخلاق در قرآن»، قم، انتشارات اسراء.
- ۴. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۹۸، بیانیه گام دوم مقام معظم رهبری به مناسبت چهلمین سالگرد انقلاب اسلامی ایران.
- ۵. حسینی، محمدحسین، ۱۳۹۵، نظام ولایی و جایگاه آن در حکومت اسلامی، «مطالعات سیاسی جهان اسلام»، شماره ۲۵.
- ۶. حاجی صادقی، عبدالله، ۱۴۰۰، نقش ولایت‌محوری در استمرار نظام اسلامی و ولایی، پژوهش‌های سیاست اسلامی - شماره ۱۹.
- ۷. شاهدی، غفار، ۱۴۰۳، مبانی و ویژگی‌های جامعه ولایی در قرآن با تاکید بر آرای تفسیری آیت الله خامنه‌ای، پژوهشنامه معارف قرآنی، سال ۱۵، شماره ۵۷.
- ۸. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۷۵، المیزان، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۹. عالم، عبدالرحمن، ۱۳۸۶، بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی.
- ۱۰. قربانی، ۱۳۹۰، مهدی، تحلیل مفهوم دموکراسی غربی و مردم سالاری دینی، سال بیستم، شماره ۱۶۸، ۱۰۳-۱۲۲.
- ۱۱. قرائتی، محسن، ۱۳۸۸، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- ۱۲. لطیفی پاکده، لطفعلی، ۱۳۸۷، جایگاه مردم در نظام ولایی، حصون، بهار، شماره ۱۵.
- ۱۳. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۹، کتاب نظریه سیاسی اسلام، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصباح یزدی، ۱۳۹۰، کتاب «حکومت اسلامی و ولایت فقیه»، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۱۴. مصباح یزدی، محمدتقی، پایگاه اطلاع‌رسانی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۱۵. مصباح یزدی، محمدتقی، محمد جواد نوروزی، ۱۳۸۷، مردم سالاری دینی و نظریه ولایت فقیه، قم، موسسه پژوهشی امام خمینی.
- ۱۶. مسلم بن حجاج، ۱۴۱۲، صحیح مسلم، مصحح: عبدالباقی، محمد فؤاد، دار الحدیث، قاهره، مصر.
- ۱۷. مختاری، ایمان، ۱۳۹۵، وجوه تشابه و افتراق دموکراسی و ارکان آن با نظام ولایت فقیه از دیدگاه قائلان به دو نظریه نصب (آیت الله مصباح یزدی) و نخب (آیت الله منتظری)، مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۶، شماره ۲.
- ۱۸. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۴۰، بحارالانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی.

۱۹. نعیم ابادی، حسن ؛ پریراد، رضا، ۱۴۰۱، مؤلفه‌های کارآمدی نظام ولایی در منظومه فکری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) (با تأکید بر فطرت انسان)، انسان پژوهی دینی، شماره ۴۸.
۲۰. یشربی، سید یحیی، ۱۳۷۷، استبداد، سکولاریزم و حکومت دینی، کتاب نقد، شماره ۹ و ۱۰